



ادب خواجه نصیر در برابر امام موسی کاظم(ع)/ روی سنگ قبر استاد بشر چه نوشته شده است؟

علامه حسن زاده آملی می نویسد: صاحب این همه کتاب در حکمت، فلسفه، عرفان، ریاضیات، فقه و اصول، علوم غریبه، معماری و مهندسی و بناکننده رصدخانه مراغه و صاحب زیج ایلخانی و بالاخره خواجه نصیرالدین طوسی و استاد بشر و استاد کلّ فی الکُل در پیشگاه امام هفتم وصیت می کند روی قبرش بنویسند «و کَلْبُهُمْ بِأَسِطٍ ذِرَاعِيهِ بِالْوَصِيدِ».

خبرگزاری مهر - علامه حسن زاده آملی می نویسد: صاحب این همه کتاب در حکمت، فلسفه، عرفان، ریاضیات، فقه و اصول، علوم غریبه، معماری و مهندسی و بناکننده رصدخانه مراغه و صاحب زیج ایلخانی و بالاخره خواجه نصیرالدین طوسی و استاد بشر و استاد کلّ فی الکُل در پیشگاه امام هفتم وصیت می کند روی قبرش بنویسند «و کَلْبُهُمْ بِأَسِطٍ ذِرَاعِيهِ بِالْوَصِيدِ».

اهمیت علمی و سیاسی خواجه نصیر

تمدن براساس تعاریفی که از آن شده عبارت است همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش و اصولاً ظهور تمدن هنگامی امکان پذیر است که امنیت و آسایش برقرار باشد و این مهم در زمان خواجه نصیر به خاطر حمله مغول به ایران میسر نشد، مگر با یک سیاست خاص که آن هم پیدا کردن ضعف دستگاه حکومتی بود که پایبندی آنها به مسایل خرافی همچون پیشگویی و خواب دیدن توجه خواجه نصیر را به خود جلب کرد و او از همان نقطه، سیاست عملی خود را به اجرا گذاشت که همکاری با دستگاه در آن مقطع و عدم رخورد با مسایل خرافی مورد اعتقاد آنها یکی از سیاستهای مورد نظر بود که تاریخ در گذر ایام پاسخ به خدمت گرفتن چنین دستگاهی را داده است که آن هم مهار جنگ و بازگرداندن آرامش بود که برای پی ریزی هر تمدنی لازم است.

در مقام علمی و فلسفی خواجه نصیر سخنها گفته شده است و حتی برخی از کارشناسان معتقدند حق خواجه در این مسأله ادا نشده است و اهمیت او در حیات عقلی جهان اسلام خصوصاً ایران اسلامی شناخته نشده است. با این وجود ذکر چند نکته در مورد شخصیت خواجه نصیر خالی از لطف نیست.

بر روی سنگ قبر خواجه نصیر چه نوشته شده است؟

آیت الله علوی بروجردی حکایتی را در رابطه با شخصیت معنوی خواجه نصیرالدین طوسی چنین بیان کردند: «خواجه نصیرالدین طوسی (قدس سره) علامه بزرگ روزگار خودش بوده است. او گذشته از مهارت در علوم اسلامی، در علم ریاضی و برخی علوم دیگر نیز تبحر داشته است. این عالم بزرگوار به قصد نشر معارف دینی، خود را به دربار «هلاکوخان مغول» نزدیک کرده و به اندک زمانی در درباره این پادشاه نفوذ زیادی می کند. با تلاش او و دیگر مبلغان شیعی، با وجود تلاش زیاد مخالفان، افکار شیعه مذهببان رواج بسیار می یابد. او مقیم بغداد در مرکز حکومت می شود و با تمام وجود از دین و آیین اسلام دفاع می کند و پس از عمری خدمت و مجاهدت در راه خدا در واپسین لحظه های عمر خویش، به شاگردانش سفارش می کند که او را در کاظمین و در جوار مرقد مطهر امام کاظم(ع) و حضرت جواد(ع) دفن کنند و سفارش می کند جمله ای که مبنی بر بزرگ داشتن او باشد بر سنگ قبر نوشته نشود.»

وی می افزاید: «شاگردان او اصرار می کنند تا آیه یا حداقل بیتی از اشعارشان را روی سنگ قبر بنویسند تا آیندگان صاحب قبر را بشناسند. اما خواجه نصیر می فرماید: «تنها اسم مرا روی سنگ قبر بنویسد زیرا وقتی قبر من در جوار این دو امام است شایسته نیست جمله ای مبنی بر بزرگداشت من روی قبر نوشته شود. اگر هم خواستید چیزی بنویسید، این آیه از قرآن کریم باشد: «و کَلْبُهُمْ بِأَسِطٍ ذِرَاعِيهِ بِالْوَصِيدِ، سوره کهف، آیه 17؛ مربوط به حکایت اصحاب کهف و سگ آنها است که در دم غار نشسته است.» با آن همه عظمت و آن همه خدمات علمی و فرهنگی به عالم تشیع می گوید: «من همچون سگ اصحاب کهف در آستانه مزار ائمه در شهر کاظمین زانو زده ام.» به نقل از: «محمد لک علی آبادی، دلشدگان: شرح حال و کرامات اُولیاء الهی، ص. 97»

احترام خواجه نصیر به امام موسی کاظم(ع)

گویند: هنگام وفات خواجه نصیر، به او گفتند: اجازه بده جنازه تو را به نجف اشرف ببریم و آنجا دفن کنیم، در پاسخ گفت: من از امام موسی کاظم(ع) خجالت می کشم که وصیت کنم جنازه ام را از کاظمین بیرون برند.

ادب خواجه از زبان علامه حسن زاده آملی

علامه حسن زاده آملی نقل می کند. بنده حدود سی سال پیش صحبتی با یک ریاضیدان داشتم تا این که کلام کشید به این شکل هندسی قطاع من از او، به خاطر غرض الهی که در نظرم داشتم، سؤال کردم: عزیز من! از این شکل چند حکم هندسی می توان استفاده کرد؟

گفت: شاید هفت تا ده تا حکم.

گفتم: مثلاً بیست تا چطور؟

گفت: شاید. ممکن است.

گفتم: دویست تا چطور؟ به من نگاه می کرد که آیا دویست حکم هندسی می توان از آن استنباط کرد و توقف کرد

گفتم : دویست هزار چطور ؟ خیال می کرد که من سر مطایبه و شوخی دارم و به مجاز حرف می زنم. بعد به او گفتم: آقا! این خواجه نصیرالدین طوسی کتابی دارد به نام کشف القناع عن اسرار شکل القطاع .
و جناب خواجه از این شکل، چهارصد و نود و هفت هزار و ششصد و شصت و چهار حکم هندسی استنباط کرده ؛ یعنی قریب نیم میلیون.
بعد به او گفتم: این خواجه نصیر طوسی که راجع به یک شکل هندسی، یک کتاب نوشته و قریب پانصد هزار حکم از آن استنباط کرده، شما آن کتاب و خود خواجه را می شناسی؟
گفت: نخیر.

بعد راجع شخصیت خواجه صحبت کردیم و به او گفتیم: این خواجه وقتی که در بغداد حالش دگرگون شد و دید دارد از این نشانه به جوار الهی ارتحال می کند، وصیت کرد: مرا از کنار امام هفتم، باب الحوائج الی الله، از این معقل و پناهگاه بیرون نبرید و در عیبیه به خاک بسپارند و روی قبر در پیشگاه امام هفتم؛ مثلاً نوشته نشود، آیت الله، علامه، این امام است، حجت الله. قرآن ناطق و امام ملک و ملکوت است. روی قبر من بنویسید: وَ کَلْبُهُمْ بِأَسِطٍ ذِرَاعِيهِ بِالْوَصِيدِ.
و این عالمی است صاحب این همه کتاب در حکمت، فلسفه، عرفان، ریاضیات، فقه و اصول، علوم غریبه، معماری و مهندسی و بناکننده رصدخانه مراغه و صاحب زیج ایلخانی و بالاخره خواجه نصیر الدین طوسی و استاد بشر و استاد کلّ فی الكل. اما در پیشگاه امام هفتم وصیت می کند این طور روی قبرش بنویسند. (منبع: سیره امامان در آثار علامه حسن زاده آملی)